

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ماتوتسه دون پنج اثر فلسفی
بازتایپ و ارسال از: احمد پوپل
۰۳ سپتمبر ۲۰۱۸

در باره تضاد - ۵

همگونی و مبارزه اضداد

اینک که مسأله عام بودن و خاص بودن تضاد را روشن ساختیم ، باید به بررسی مسأله همگونی و مبارزه اضداد بپردازیم .

همگونی، وحدت، تطابق، نفوذ متقابل، دخول متقابل، وابستگی متقابل (یا مشروط بودن متقابل) ، ارتباط متقابل و یا همکاری متقابل – همه اینها اصطلاحاتی برای یک مفهوم واحد هستند که از آنها دو نکته زیر منظور می شود:

۱ – در پروسه تکامل اشیاء و پدیده ها وجود هر یک از دو جهت هر تضاد شرط موجودیت جهت دیگر است و هر دو جهت در یک مجموع واحد همزیستی می کنند

۲ – تحت شرایط معین هر یک از دو جهت متضاد به ضد خود بدل می گردد . چنین است معنای همگونی .
لنین می گوید :

دیالکتیک آموزشی است که نشان می دهد **اضداد** چگونه می توانند **همگون** باشند و چگونه **همگون** هستند (چگونه **همگون** می شوند) – تحت چه شرایطی همگون هستند و به یک دیگر تبدیل می شوند – چرا عقل بشر نباید این اضداد

را مرده و متحجر، بلکه زنده، مشروط، متحرک و در حال تبدیل به یک دیگر دریافت کند.^(۱)

معنای این عبارت لنین چیست ؟

اضداد موجود در هر پروسه پیوسته یک دیگر را دفع می کنند، در مبارزه با یک دیگر قرار می گیرند و در مقابل یک دیگر می ایستند . این اضداد چه در پروسه تکامل کلیه اشیاء و پدیده های جهان و چه در تفکر بشر موجود اند ؛ در اینجا استثنائی نیست . یک پروسه ساده فقط حاوی یک زوج ضد است، حال آن که در یک پروسه مرکب زوج های بیشتری یافت می شوند . این زوج ها نیز به نوبه خود با هم در تضاد اند . بدین سان است که کلیه اشیاء و پدیده های جهان عینی و همچنین تفکر بشر تشکیل می شوند و به حرکت درمی آیند .

اگر اینطور باشد هیچ همگونی و یا وحدتی وجود نخواهد داشت . پس چرا ما از همگونی و یا وحدت سخن می رانیم ؟

– لنین: «خلاصه "علم منطق" هگل» .^۱

حقیقت این است که اضداد نمی توانند جدا از یک دیگر زیست کنند . هر گاه یکی از دو ضد حذف شود ، شرط موجودیت ضد دیگر نیز از بین خواهد رفت . تعمق کنید : آیا یکی از دو جهت متضاد پدیده ها و یا مفاهیم شعور انسانی می تواند مستقلاً وجود داشته باشد ؟ بدون زندگی مرگ نیست ؛ بدون مرگ زندگی نیست . بدون بالا پائین نیست ؛ بدون پائین بالا نیست . بدون بدبختی نیکبختی نیست ؛ بدون نیکبختی بدبختی نیست .

بدون آسانی دشواری نیست ؛ بدون دشواری آسانی نیست . بدون مالک ارضی دهقان اجاره دار نیست؛ بدون دهقان اجاره دار مالک ارضی نیست . بدون بورژوازی پرولتاریا نیست؛ بدون پرولتاریا بورژوازی نیست. بدون ستم ملی امپریالیستی مستعمره و نیمه مستعمره نیست ؛ بدون مستعمره و نیمه مستعمره ستم ملی امپریالیستی نیست .

کلیه اضداد چنین اند ؛ اضداد تحت شرایط معین از یک سو ضد یک دیگر اند و از سوی دیگر با یک دیگر در ارتباط اند ، در هم داخل می شوند ، در یک دیگر نفوذ می کنند و به یک دیگر وابسته اند – این خاصیت را همگونی می نامند . تحت شرایط معین همه جهات متضاد دارای خصلت ناهمگونند و بدین جهت آنها را اضداد می خوانند . ولی در عین حال میان آنها همگونی نیز موجود است و به این دلیل متقابلاً با یک دیگر مرتبط اند . این درست مفهوم همان عبارت لنین است که می گوید : دیالکتیک نشان می دهد که «اضداد چگونه می توانند همگون باشند» . حال چگونه اضداد می توانند همگون باشند ؟ زیرا که هر یک شرط وجود دیگری است . این اولین معنای همگونی است .

ولی آیا کافی است که فقط گفته شود وجود هر یک از دو جهت متضاد شرط موجودیت جهت دیگر است و میان آنها همگونی وجود دارد و از این رو می توانند در یک مجموع واحد همزیستی کنند ؟ خیر، این به تنهایی کافی نیست . مسأله فقط به اینجا ختم نمی شود که هر یک از دو جهت متضاد برای موجودیت خود متقابلاً به یک دیگر وابسته باشند، بلکه مهم تر از آن تبدیل اضداد به یک دیگر است . یعنی این که تحت شرایط معین هر یک از دو جهت متضاد یک شیء یا پدیده به ضد خود بدل می گردد، جای خود را با طرف مقابل عوض می کند. این دومین معنای همگونی اضداد است . علت چیست که در اینجا نیز همگونی دیده می شود ؟ توجه کنید : پرولتاریا که زمانی تحت حکومت بود، از طریق انقلاب حاکم می شود؛ در حالی که بورژوازی که تا آن زمان در صدر حکومت بود، تحت حکومت قرار می گیرد و جای طرف مقابل خود را اشغال می نماید. این امری است که در اتحاد شوروی تحقق یافت و در سراسر جهان نیز تحقق خواهد یافت . اینک این سؤال مطرح می شود: چنانچه تحت شرایط معین میان این اضداد رابطه متقابل و همگونی وجود نداشته باشد ، چگونه چنین تغییری می تواند صورت بگیرد ؟

گومیندان که در مرحله ای از تاریخ معاصر چین نقش مثبتی داشت، در اثر خصلت طبقاتی ذاتی خود و تطبیعات امپریالیسم (اینها شرایط اند) از سال ۱۹۲۷ به بعد به راه ضد انقلاب افتاد، ولی بالاخره به علت حدت تضاد بین چین و جاپان و در نتیجه سیاست جبهه متحد حزب کمونیست (اینها شرایط اند) مجبور شد در برابر جاپان به مقاومت تن دهد . بین اضدادی که به یک دیگر تبدیل می شوند ، همگونی معینی موجود است .

انقلاب ارضی ما در گذشته چنین پروسه ای را طی نمود : طبقه مالکان ارضی که صاحب زمین بود، به طبقه ای بدل شد که زمین خود را از دست داد ، حال آن که دهقانان که زمین های خود را از دست داده بودند، به صاحبان خرده پای زمین بدل شدند ؛ در آینده نیز چنین پروسه ای طی خواهد شد . داشتن و نداشتن ، به دست آوردن و از دست دادن – همه اینها تحت شرایط معینی به یک دیگر مربوط اند و میان آنها همگونی موجود است .

در شرایط سوسیالیسم مالکیت خصوصی دهقانان به مالکیت اجتماعی کشاورزی سوسیالیستی بدل می شود؛ چنین پروسه ای هم اکنون در اتحاد شوروی صورت گرفته است و در سراسر جهان نیز صورت خواهد گرفت . از مالکیت

خصوصی به مالکیت اجتماعی پلی کشیده شده است که در فلسفه همگونی، با تبدیل یکی به دیگری و یا نفوذ متقابل نامیده می شود .

تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا یا دیکتاتوری خلق در واقع به معنای فراهم ساختن شرایط برای انحلال این دیکتاتوری و گذار به مرحله عالی تری است که در آن همه سیستم های دولتی زایل می گردند .

ایجاد و توسعه حزب کمونیست در واقع به معنای آماده ساختن شرایط برای از بین بردن حزب کمونیست و به طور کلی همه سیستم های حزبی است . ایجاد یک ارتش انقلابی تحت رهبری حزب کمونیست و اقدام به جنگ انقلابی در واقع به معنای مهیا ساختن شرایط برای محو نهائی جنگ است . این اوضاع در عین حال وحدت نیز تشکیل می دهند . همانطور که بر همگان روشن است ، صلح و جنگ به یک دیگر تبدیل می شوند. جنگ به صلح بدل می گردد، همانطور که اولین جنگ جهانی به صلح پس از جنگ انجامید و اکنون که جنگ داخلی چین تمام شده، جنگ جای خود را به صلح داخلی داده است .

صلح به جنگ تبدیل می شود، همانطور که در سال ۱۹۲۷ همکاری بین گومیندان و حزب کمونیست به جنگ مبدل شد و احتمال دارد که صلح و آرامش کنونی در جهان به دومین جنگ جهانی بدل گردد.

علت این امر چیست ؟ علت این است که در جامعه طبقاتی میان چنین پدیده های متضادی، چون جنگ و صلح ، تحت شرایط معین همگونی موجود است .

اضداد همگی به یکدیگر مربوط اند و نه فقط تحت شرایط معین در یک مجموع واحد همزیستی می کنند، بلکه در شرایط معین دیگر نیز به یک دیگر بدل می گردند ؛ این است معنای کامل همگونی اعداد . و این درست همان مقصود لنین است که می گوید : «... چگونه **همگون** هستند (چگونه **همگون** می شوند) – تحت چه شرایطی همگون هستند و به یک دیگر تبدیل می شوند...».

« چرا عقل بشر نباید این اعداد را مرده و متحجر، بلکه زنده ، مشروط ، متحرک ، در حال تبدیل به یکدیگر دریافت کند ؟ زیرا که اشیاء و پدیده های عینی واقعاً این طور هستند . واقعیت این است که وحدت یا همگونی اعداد در یک شیء یا پدیده عینی هیچ گاه مرده و متحجر نیست ، بلکه زنده ، مشروط ، متحرک ، موقتی و نسبی است؛ تحت شرایط معین کلیه اعداد به عکس خود تبدیل می شوند .

انعکاس این امر در تفکر انسان موجب پیدایش جهان بینی دیالکتیکی – ماتریالیستی مارکسیستی می گردد . این فقط طبقات حاکم مرتجع کنونی و گذشته و همچنین متافزیسین های خادم آنها هستند که اعداد را زنده ، مشروط ، متحرک و در حال تبدیل به یک دیگر ندانسته، بلکه آنها را مرده و متحجر فرض می کنند .

آنها این نظر نادرست را در همه جا تبلیغ می کنند و توده های مردم را به گمراهی می کشانند تا بتوانند به حکومت خود ادامه دهند . وظیفه کمونیست ها این است که این نظرات نادرست مرتجعین و متافزیسین ها را فاش سازند، دیالکتیک درونی اشیاء و پدیده ها را تبلیغ کنند و تبدیل یک پدیده را به پدیده دیگر پیش رانند و بدین سان به هدف انقلاب دست یابند .

وقتی که ما از همگونی اعداد تحت شرایط معین سخن می گوئیم، منظورمان اعداد واقعی و مشخص و تبدیل واقعی و مشخص آنها به یکدیگر است .

در میتولوژی صحبت از انواع گوناگون تبدیلات می شود - مانند «کوافو» در کتاب «شان های جین»^(۱) که خورشید را دنبال می کند

و یا «ای» قهرمان کتاب «حوانان زی»^(۲) که با تیر و کمان نه عدد خورشید را ساقط می سازد و یا ۷۲ دگرذیسی «سون او کون» در کتاب «سی یو جی»^(۳) و یا دگرگونی ارواح و روباهان به انسان در بسیاری از افسانه های کتاب «لیائو جای»^(۴) و غیره . در این افسانه ها تبدیل اعداد به یک دیگر ساده لوحانه و موهومی بوده و زاده قوه تخیل انسان هاست که به وسیله تبدیلات متقابل اعداد واقعی متعدد و بغرنج برانگیخته می شوند، ولی خود تبدیلات مشخصی نیستند که بیان کننده تضادهای مشخص باشند. مارکس می گوید: «همه میتولوژی ها در تخیل و به وسیله تخیل قوای طبیعت را تسخیر می کنند، بر آن تسلط می یابند و به آن شکل می دهند؛ و از این رو با تسلط انسان بر قوای طبیعت ناپدید می گردند .»^(۵) افسانه های میتولوژی (و همچنین داستان های کودکان) که از دگرذیسی های بی شمار سخن می رانند، به این جهت باعث لذت و تفریح انسان ها می شوند که بیان کننده خیالات و تصورات انسان ها درباره تسلط بر قوای طبیعت اند و بهترین آنها همان طور که مارکس می گوید «فریبندگی جاودانی» دارند؛ ولی افسانه ها بر اساس شرایط معین تضادهای مشخص بنا نشده اند و بدین جهت انعکاس علمی واقعیت نیستند . یعنی جهات متضادی که در افسانه ها و یا داستان های کودکان تشکیل دهنده تضاد هستند ، فقط دارای همگونی موهوم اند نه همگونی مشخص . دیالکتیک مارکسیستی انعکاس علمی همگونی را در تبدیلات واقعی به دست می دهد . چرا تخم مرغ می تواند به جوجه تبدیل شود ولی سنگ نمی تواند؟ چرا میان جنگ و صلح همگونی موجود است ، ولی میان جنگ و سنگ همگونی دیده نمی شود؟ چرا انسان فقط می تواند انسان بزاید و نه چیز دیگر؟ - یگانه علت این است که همگونی اعداد تنها تحت شرایط معین لازم امکان پذیر است . بدون این شرایط معین لازم هیچ همگونی نمی تواند وجود داشته باشد .

- « شان های جین» (کتاب کوهها و دریاها) در «عصر جنگهای کشورها» (۴۰۳ - ۲۲۱ قبل از میلاد) نگاشته شده است .^۲ در این کتاب چنین خوانده می شود : " کوافو" که داعیه خدانی در سر داشت ، « روزی به تعقیب خورشید می پرداخت ؛ وی هنگام غروب آفتاب سخت تشنه شد و از رودخانه زرد و رودخانه وی آب نوشید . ولی از آنجا که آب این دو رودخانه کافی نبود خواست که به سوی شمال عزیمت کند تا از دریای وسیع آنجا آب بنوشد ولی به مقصد نرسید و در نیمه راه از شدت تشنگی هلاک گردید . عصائی که از او باز ماند ، به جنگل دن مبدل شد.» (های وای بی جین)

- « ای » یکی از قهرمانان افسانه نی چین قدیم است . داستان « تیرزدن به خورشید » داستان هنر تیراندازی او است .^۳ " لی وان " که در دوران سلسله " حان " می زیست (یکی از اشراف قرن دوم قبل از میلاد بود) ، کتابی تحت عنوان « حوانان زی » تنظیم نموده که در آن روایت می شود : «در عصر امپراتور یائو ده خورشید در یک زمان طلوع می کرده است . به علت آن که اشعه سوزان این خورشیدها به امور کشاورزی زیان می رسانند و درختان و علفها را می سوزانند ، مردم گرسنه ماندند . به علاوه مردم نیز از آزار حیوانات وحشی در امان نبودند . امپراتور «یائو» به «ای» فرمان داد تا همه این خورشیدها را با تیر ببندازد و حیوانات وحشی را بکشد ... در نتیجه مردم از این عمل بسیار خوشحال شدند .» در قرن دوم میلادی «وان ای» یکی از نویسندگان سلسله "حان" شرقی در توضیحی بر «پرسش از سپهر» (شعری از چو یوان شاعر باستانی چین) چنین می نویسد : « در حوانان زی آمده است که در عصر امپراتور یائو ده خورشید یک مرتبه طلوع می کنند و علفها و درختان را خشک می نمایند. امپراتور «یائو» به «ای» فرمان می دهد که این خورشیدها را با تیر ببندازد ؛ «ای» نه عدد از آنها را ساقط کرد ولی یکی از آنها « به جا ماند »

- « سی یو جی » (زیارت به مغرب) یکی از رمانهای افسانه نی قرن شانزدهم چین است . " سون اوکون " قهرمان عمده این داستان^۴ میمونی است که معجزه می کند و صاحب سحر و جادویی است که بدان وسیله می تواند خود را به ۷۲ شکل مختلف چون پرنده ، حیوان ، کرم ، ماهی ، علف ، درخت ، انسان و غیره درآورد .

- « لیائو جای » مجموعه ای است از ۴۳۱ داستان که " پوسون لین " در قرن هفدهم (سلسله تسین) بر اساس جمع آوری داستان های^۵ توده نی به رشته تحریر درآورده است . بیشتر این داستان ها از ارواح و روباهان صحبت می کنند .

- مارکس : « مقدمه بر انتقاد اقتصاد سیاسی » .^۶

چرا انقلاب بورژوا - دمکراتیک فبروری ۱۹۱۷ روسیه مستقیماً به انقلاب پرولتاریائی - سوسیالیستی اکتوبر همان سال پیوست ، ولی انقلاب بورژوائی فرانسه مستقیماً به انقلاب سوسیالیستی نینجامید و کمون پاریس (۱۸۷۱) (۷) به شکست منتهی شد؟ چرا مغولستان و آسیای مرکزی با نظام ایلاتی خود بدون واسطه به سوسیالیسم پیوستند؟ چرا انقلاب چین می تواند از راه سرمایه داری چشم ببوشد و مستقیماً - بدون این که راه تاریخی قدیمی کشورهای غربی را ببیماید و بدون گذار از مرحله دیکتاتوری بورژوازی - به سوسیالیسم برود ؟ یگانه علت شرایط مشخص وقت است . چنانچه شرایط معین لازم فراهم باشد، در پروسه تکامل یک شیء یا پدیده تضادهای معینی پدید می آیند و به علاوه تضاد موجود در این تضادها به هم وابسته و به یکدیگر بدل می شوند . در غیر این صورت هیچ یک از اینها ممکن نمی گردید . این بود مسأله همگونی . اینک ببینیم مبارزه چیست ؟ و رابطه بین همگونی و مبارزه کدام است ؟ لنین می گوید :

« وحدت (تطابق ، همگونی ، تساوی عمل) تضاد مشروط ، موقتی ، گذرا و نسبی است . مبارزه تضاد دافع یک دیگر مطلق است ، همانطور که تکامل و حرکت مطلق است» (۸) .

معنای این جمله لنین چیست؟

همه پروسه ها را آغاز و انتهائی است ؛ همه پروسه ها به ضد خود بدل می شوند . استواری همه پروسه ها نسبی است، درحالی که تلون و بی ثباتی آنها که در تبدیل یک پروسه به پروسه دیگریان می یابد ، مطلق است . حرکت هرشیء یا پدیده در دو حالت صورت می پذیرد: در حالت سکون نسبی و در حالت تغییر آشکار . مبارزه بین دو عنصر متضاد در درون یک شیء یا پدیده سبب پیدایش این دو نوع حرکت می شود . چنانچه پدیده ای در حالت اول حرکت باشد ، فقط تغییر کمی (نه کیفی) در آن حاصل می شود که می توان آن را در سکون ظاهری مشاهده کرد . ولی چنانچه آن پدیده در حالت دوم حرکت باشد ، تغییرات کمی حالت اول که به نقطه اوج خود رسیده اند ، موجب تلاشی آن پدیده به مثابه یک وجود واحد می گردند و در نتیجه تغییر کیفی پدید می آید که به صورت تغییر آشکار تجلی می کند .

وحدت ، همبستگی ، همپیوستگی ، هماهنگی ، تعادل ، ثبات ، رکود ، سکون ، استواری ، موزونی ، تراکم ، کشش و غیره که ما در زندگی روزمره خود مشاهده می کنیم ، همه مظاهری از اشیاء و پدیده ها در حالت تغییر کمی هستند ؛ در حالی که تلاشی وحدت یعنی اختلال در حالت همبستگی ، همپیوستگی ، هماهنگی ، تعادل ، ثبات ، رکود ، سکون ، استواری ، موزونی ، تراکم ، کشش و غیره و تغییر آنها به ضد خود همگی مظاهری از اشیاء و پدیده ها در حالت تغییر کیفی و گذار از یک پروسه به پروسه دیگر می باشند . اشیاء و پدیده ها دائماً در حال گذار از حالت اول به حالت دوم حرکت هستند و مبارزه تضاد که در هر دو حالت ادامه دارد ، در حالت دوم به حل تضاد منجر می شود . بدین سبب است که ما می گوئیم وحدت تضاد مشروط ، موقتی و نسبی است ، ولی مبارزه تضاد دافع یک دیگر مطلق است .

۷ - کمون پاریس اولین حکومت پرولتاریائی در تاریخ جهان بود . روز ۱۸ مارچ ۱۸۷۱ پرولتاریای فرانسه که در شهر پاریس قیام کرده بود ، حکومت را به دست گرفت و سپس در ۲۸ مارچ به وسیله انتخابات کمون پاریس را به رهبری پرولتاریا تشکیل داد . کمون پاریس آزمایش برای درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی به وسیله انقلاب پرولتاریائی در تاریخ بود که ابتکار عظیم و جالبی در راه نشانیدن حکومت پرولتاریائی به جای حکومت بورژوازی به شمار می رود . ولی متأسفانه پرولتاریای فرانسه در آن زمان هنوز پختگی و تجربه کافی نداشت و به وحدت با متحد خود یعنی توده های وسیع دهقانی توجهی نمی کرد و علاوه بر این در برابر ضد انقلابیون سستی نشان داده و نتوانست به موقع به تعرض نظامی بپردازد . به این دلیل ضد انقلاب امکان یافت تا نیروهای شکست خورده خود را دوباره جمع آوری کند و توده های مردم قیام کننده را به وضعی وحشیانه به خاک و خون کشد . کمون پاریس در ۲۸ ماه می درهم کوبیده شد .

۸ - لنین : « درباره مسأله دیالکتیک » .

در پیش گفتیم که میان دو ضد همگونی موجود است و بدین جهت اضداد می توانند در یک وجود واحد همزیستی کنند و به یک دیگر بدل شوند؛ در اینجا منظور ما مشروط بودن است، بدین معنی که تحت شرایط معینی اضداد می توانند به وحدت رسیده و به یکدیگر بدل شوند، اما بدون وجود این شرایط نمی توانند تشکیل یک تضاد را بدهند و در یک وجود واحد همزیستی کنند و به یک دیگر مبدل شوند. همگونی اضداد فقط در شرایط معینی صورت می گیرد و بدین جهت بود که ما گفتیم: همگونی مشروط و نسبی است.

در اینجا می خواهیم اضافه کنیم که مبارزه اضداد در سراسر پروسه از ابتداء تا انتها جریان دارد و منجر به تبدیل یک پروسه به پروسه دیگر می شود؛ مبارزه اضداد بدون استثناء در همه جا جریان دارد و از این رو غیرمشروط و مطلق است.

پیوند همگونی مشروط و نسبی با مبارزه غیرمشروط و مطلق موجب حرکت تضاد کلیه اشیاء و پدیده ها می گردد. ما چینی ها اغلب می گوئیم: «پدیده ها در عین این که ضد یک دیگراند، وحدت نیز تشکیل می دهند.»^(۱) یعنی میان اضداد همگونی موجود است. این حکمی دیالکتیکی و ضد متافزیک است. «ضد یک دیگراند» به معنای این است که دو جهت متضاد یک دیگر را دفع می کنند یا با یک دیگر در مبارزه اند. «وحدت نیز تشکیل می دهند» به معنای این است که دو جهت متضاد تحت شرایط معین وحدت می یابند و به همگونی می رسند. ولی مبارزه درست در همگونی موجود است؛ بدون مبارزه همگونی نیست.

در همگونی مبارزه است، در خصوص عموم است و در خصالت خصوصی خصالت عمومی، یا به قول لنین «... این نسبی مطلق است.»^(۱)

مائوتسه دون (اگست ۱۹۳۷)

ادامه دارد...

یادداشت ها :

۲۲ - لنین: «خلاصه "علم منطق" هگل».

۲۳ - «شان های جین» (کتاب کوهها و دریاها) در «عصر جنگهای کشورها» (۴۰۳ - ۲۲۱ قبل از میلاد) نگاشته شده است. در این کتاب چنین خوانده می شود: "کوافو" که داعیه خدائی در سر داشت، «روزی به تعقیب خورشید می پرداخت؛ وی هنگام غروب آفتاب سخت تشنه شد و از رودخانه زرد و رودخانه وی آب نوشید. ولی از آنجا که آب این دو رودخانه کافی نبود خواست که به سوی شمال عزیمت کند تا از دریای وسیع آنجا آب بنوشد ولی به مقصد نرسید و در نیمه راه از شدت تشنگی هلاک گردید. عصائی که از او باز ماند، به جنگل دن مبدل شد.» (های وای بی جین)

۲۴ - «ای» یکی از قهرمانان افسانه‌ئی چین قدیم است. داستان «تیرزدن به خورشید» داستان هنر تیراندازی او است. "لی وان" که در دوران سلسله "هان" می زیست (یکی از اشراف قرن دوم قبل از میلاد بود)، کتابی تحت عنوان «حوانان زی» تنظیم نموده که در آن

۹ - این جمله را ابتداء "بانگو" (مؤرخ شهیر چین در قرن یکم) در اثر خود به نام «چیان حان شو» (تاریخ اوایل سلسله هان)، جلد ۳۰^۹ «ای وین جی» به کار برد و سپس در زبان روزمره مردم معمول گشت.

۱۰ - لنین: «در باره مسأله دیالکتیک».

روایت می شود : «در عصر امپراتور یائو ده خورشید در یک زمان طلوع می کرده است . به علت آنکه اشعه سوزان این خورشیدها به امور کشاورزی زیان می رساندند و درختان و علفها را می سوزاندند ، مردم گرسنه ماندند . به علاوه مردم نیز از آزار حیوانات وحشی در امان نبودند . امپراتور «یائو» به «ای» فرمان داد تا همه این خورشیدها را با تیر بیاندازد و حیوانات وحشی را بکشد ... در نتیجه مردم از این عمل بسیار خوشحال شدند . « در قرن دوم میلادی «وان ای» یکی از نویسندگان سلسله "هان" شرقی در توضیحی بر «پرسش از سپهر» (شعری از چیبو یوان شاعر باستانی چین) چنین می نویسد : « در حوا نان زی آمده است که در عصر امپراتور یائو ده خورشید یک مرتبه طلوع می کنند و علفها و درختان را خشک می نمایند. امپراتور «یائو» به «ای» فرمان می دهد که این خورشیدها را با تیر بیاندازد ؛ «ای» نه عدد از آنها را ساقط کرد ولی یکی از آنها « به جا ماند »

۲۵ - « سی یو جی » (زیارت به مغرب) یکی از رمانهای افسانه ای قرن شانزدهم چین است . "سون او کون" قهرمان عمده این داستان میمونی است که معجزه می کند و صاحب سحر و جادویی است که بدان وسیله می تواند خود را به ۷۲ شکل مختلف چون پرنده ، حیوان ، کرم ، ماهی ، علف ، درخت ، انسان و غیره درآورد .

۲۶ - « لیائو جای » مجموعه ای است از ۴۳۱ داستان که " پوسون لین " در قرن هفدهم (سلسله تسین) بر اساس جمع آوری داستان های توده ای به رشته تحریر درآورده است . بیشتر این داستان ها از ارواح و روباهان صحبت می کنند .

۲۷ - مارکس : « مقدمه برانتقاد اقتصاد سیاسی » .

۲۸ - کمون پاریس اولین حکومت پرولتاریائی در تاریخ جهان بود . روز ۱۸ مارچ ۱۸۷۱ پرولتاریای فرانسه که در شهر پاریس قیام کرده بود ، حکومت را به دست گرفت و سپس در ۲۸ مارچ به وسیله انتخابات کمون پاریس را به رهبری پرولتاریا تشکیل داد . کمون پاریس آزمایش برای درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی به وسیله انقلاب پرولتاریائی در تاریخ بود که ابتکار عظیم و جالبی در راه نشانیدن حکومت پرولتاریائی به جای حکومت بورژوازی به شمار می رود . ولی متأسفانه پرولتاریای فرانسه در آن زمان هنوز پختگی و تجربه کافی نداشت و به وحدت با متحد خود یعنی توده های وسیع دهقانی توجهی نمی کرد و علاوه بر این در برابر ضد انقلابیون سستی نشان داده و نتوانست به موقع به تعرض نظامی بپردازد . به این دلیل ضد انقلاب امکان یافت تا نیروهای شکست خورده خود را دوباره جمع آوری کند و توده های مردم قیام کننده را به وضعی وحشیانه به خاک و خون کشد . کمون پاریس در ۲۸ ماه می درهم کوبیده شد .

۲۹ - لنین : « درباره مسأله دیالکتیک » .

۳۰ - این جمله را ابتداء " بانگو " (مؤرخ شهیر چین در قرن یکم) در اثر خود به نام « چیان حان شو » (تاریخ اوایل سلسله حان) ، جلد ۳۰ « ای وین جی » به کار برد و سپس در زبان روزمره مردم معمول گشت .

۳۱ - لنین : « در باره مسأله دیالکتیک » .